

The Role of Soft and Gentle Speech in Correcting the Behavior of Stubborn and Rebellious Individuals (with a Focus on the Verse 44 of Surah Taha)

Nader Karimi Beiranvand¹, Shirmohammad Ali Pourabdoli², Yaddollah Maleki³

Abstract

Background and aim: By studying and carefully analyzing Quranic stories, we find that divine prophets have employed appropriate methods in their communication with audiences to achieve their noble goals, serving as a good practical model for humans. Dealing with the disobedience of youth poses a challenging situation for parents, and in the context of contemporary society, finding the right approach to dealing with stubborn and rebellious individuals is crucial for guiding them. The aim of this research is to investigate the role of soft and gentle speech in correcting the behavior of stubborn and rebellious individuals, with a focus on verse 44 of Surah Taha.

Method: This research utilized an applied aim with a qualitative approach. Descriptive-analytical data collection involves the entire Quranic corpus. In explaining and analyzing the concept of "soft speech," a semantic method is employed. The analysis involves extracting the meaning of the text layers related to "soft speech" by utilizing semantic relationships, context, substitution, and co-occurrence principles within the language's internal structure. To enhance the credibility, validity, and reliability of the findings, consultation with experts in the field and academia has been employed.

Results: The research findings indicate that in the Quran, emphasizing the principle of speaking softly and gently for effective communication with the audience is crucial. The results show that reform and greater impact are achieved through softness, kindness, love, and building trust, accompanied by reasoning, clarity, and decisiveness.

Conclusion: Through a semantic examination of "soft speech" and attention to the context of verses related to verse 44 of Surah Taha and associated terms (such as admonition and fear), it is concluded that dealing with rebellious individuals should involve reminding them and instilling fear of the Almighty, leading to their guidance. Therefore, one should avoid harsh words or speech that not only fails to redirect the youth but also steers them towards corruption.

Keywords: Semantics, behavior, deviant behavior, guidance, soft speech, co-occurrence, substitution.

1. Ph.D. student in the Department of Sciences and Quranic Studies at the Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran. Email: Hosin_zhra2@iran.ir.

2. Assistant Professor in the Department of Religious Knowledge at Lorestan University, Faculty of Literature and Humanities, Khorramabad, Iran. (Corresponding author). Email: alipour.sh@lu.ac.ir.

3. Assistant Professor in the Department of Sciences and Quranic Studies at the Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran. Email: maleki@khoiau.ac.ir.

فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی

سال هجدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

صص ۴۰-۹

نقش سخن نرم و لین در اصلاح رفتاری انسان‌های لجباز و سرکش
(باتوجه به آیه ۴۴ سوره طه)نادر کریمی بیرانوند^۱، شیرمحمد علی پور عبدلی^۲، یدالله ملکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

چکیده

زمینه و هدف: با مطالعه و دقت در داستان‌های قرآنی درمی‌یابیم که پیامبران الهی برای تحقق اهداف عالی خود از شیوه‌های مناسبی در گفت‌وگو با مخاطبان خود استفاده کرده‌اند که می‌تواند الگوی عملی خوبی برای انسان باشد. برخورد با نافرمانی نوجوانان یک موقعیت چالش‌برانگیز برای والدین است و از مشکلات جامعه امروزی، دستیابی به روش درست در برخورد با افراد سرکش و لجوج، برای هدایت آن‌ها است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش سخن نرم و لین در اصلاح رفتاری انسان‌های لجباز و سرکش (باتوجه به آیه ۴۴ سوره طه) است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی با رویکرد کیفی است. به لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی و جامعه آماری این پژوهش کل قرآن کریم است. در این پژوهش در تبیین و تحلیل «قول لین» از روش معناشناسی استفاده شده است. برای تحلیل از روابط سیاق، جانشینی و هم‌نشینی که اصول ساخت درون زبانی را مشخص می‌کنند در استخراج معنای متن برای رسیدن به لایه‌های معنایی آیات مرتبط با «قول لین» استفاده کرده‌ایم. به منظور اعتباریابی و روایی و پایایی بهتر یافته‌ها از روش مراجعه به خبرگان حوزه و دانشگاه استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در قرآن به منظور برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب، به نرمی و ملامت در گفتار، به‌عنوان یک اصل، تأکید شده است که نتایج آن اصلاح و تأثیرگذاری بیشتر با نرمی و مهر و محبت و اعتمادسازی به همراه استدلال، صراحت و قاطعیت است.

نتیجه‌گیری: با بررسی معناشناسانه قول لین و توجه به سیاق آیات مرتبط با آیه ۴۴ سوره طه و واژگان هم‌نشین (دو واژه تذکر و خشیت) به این نکته خواهیم رسید که می‌بایست به‌گونه‌ای با افراد سرکش برخورد کرد که تذکر یعنی قبول یادآوری و خشیت از خداوند متعال موجب هدایت آن‌ها شود؛ لذا باید از سخن درشت یا سخنی که جوان را نه‌تنها از انحراف برنمی‌گرداند بلکه به سمت فساد می‌کشاند، اجتناب کرد.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی، رفتار، رفتار ناهنجار، هدایت، قول لین، هم‌نشینی، جانشینی.

استناد: کریمی بیرانوند، نادر؛ علی پور عبدلی، شیرمحمد؛ ملکی، یدالله. (۱۴۰۲). نقش سخن نرم و لین در اصلاح رفتاری انسان‌های لجباز و سرکش (باتوجه به آیه ۴۴ سوره طه)، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی ۱۸ (۳)، صص ۴۰-۹

<https://doi.org/10.22034/pmsq.2023.1271915.1595>

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران. رایانامه:

Hosin_zhra2@iran.ir

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

alipour.sh@lu.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: aleki@khoaiau.ac.ir

مقدمه

یکی از مباحث مهمی که امروزه در سرتاسر جهان به آن توجه می‌شود، بحث از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری بخصوص در نوجوانان و جوانان و نیز تأثیرهای منفی آن در جوامع بشری است. «نوجوانی فصلی پرفروغ از کتاب زندگانی است که برای ما خاطره‌ای ماندگار و لبریز از هیجان همیشگی است که همراه با بحران بلوغ، بحران هویت و بحران شخصیت فردی و اجتماعی است؛ به گونه‌ای که نوعی سردرگمی در مناسبات و روابط با پدر و مادر و همسالان پدید می‌آید» (احمدی، ۱۳۷۸، ۵). «در این مرحله از زندگی ارزش‌های مورد علاقه، قطعی و پایدار زندگی دستخوش تغییرات و تحولاتی پیدا و ناپیدا قرار می‌گیرد و نیاز به سکون آرامش و ناخدای خداجو در این امواج پرتلاطم بیش از پیش احساس می‌شود» (دبس^۱ و کاردان، ۱۳۴۱، ۳۵) سرکشی و نافرمانی بخشی از روند رشد نوجوان است. هر نوجوانی گاهی اوقات به حرف والدین خود گوش نمی‌دهد، اما مهم است که بدانیم چگونه با این نوجوانان رفتار کنیم. برخورد با سرکشی و نافرمانی نوجوانان یک موقعیت چالش برانگیز برای والدین است که باید با آن کنار بیایند. پاسخ‌های سربالا و طلبکارانه به سؤالات، کوبیدن درها، امتناع از انجام وظایف؛ این‌ها رفتارهایی هستند که ممکن است یک نوجوان یاغی انجام دهد. گاهی اوقات والدین دائماً نوجوان خود را سرزنش می‌کنند و او یاد می‌گیرد که به حرف‌های آن‌ها با بی‌اعتنایی برخورد کند. رفتارهای اشتباه با این‌گونه افراد می‌تواند به‌طور ناخواسته اعتماد به نفس و عزت نفس نوجوان را پایین آورد و احساس امنیت را از او بگیرد و خانه را به یک منطقه جنگی ناامن تبدیل کند. به‌راستی راه حل و روش مناسب حل این مشکل چیست؟ فقدان روش مناسب و یا اقتدا نکردن به الگوهای مناسب موجود در برخورد با انحرافات، خسارت‌های غیرقابل جبرانی را به بار می‌آورد. واضح است هر قدر الگو کامل‌تر باشد، نقش رشد و تعالی بهتری را برای انسان ایفا می‌کند و سبب ایجاد هنجارهای مطلوب در خانواده و جامعه می‌شود (فلاح و نصیری سوادکوهی، ۱۳۹۶). مرور رویکردها و دیدگاه‌های نظری نشان می‌دهد که هر کدام از

این رویکردها با توجه به زمینه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، بیولوژیکی و خانوادگی و... در بررسی پدیده عصیان و سرکشی افراد به یک عامل توجه کرده و یا از میان متغیرهای مختلف، نقش یک عامل را اساسی و یا پررنگ‌تر دانسته‌اند. نظریه‌های بیولوژیکی، آن را مقوله‌ای غریزی قلمداد نموده و از تأثیر نقش تربیتی و پرورشی جامعه غفلت ورزیده‌اند. در بسیاری از تبیین‌های روان‌شناختی نیز با اتکا به سطح فردی این پدیده را تحلیل می‌کنند؛ اما واقعیت این است شناخت انسان مستلزم درکی همه‌جانبه است و برای درک درست این پدیده بهتر است به تبیین‌هایی روی آورد که این کلیت و عوامل مختلف را در نظر گرفته است.

بهترین روش برای هدایت انسان همان روشی است که خداوند متعال به‌عنوان آفریننده و تربیت‌کننده انسان برای او در نظر گرفته و به پیامبران آموزش داده است. رفتار نابهنجار، عصیان و نافرمانی از مسائل بسیار حائز اهمیت و درخور تأملی است که خداوند در کتاب آسمانی به آن پرداخته و عوامل، آثار و راه‌های درمان آن را مطرح فرموده است «برای اصلاح رفتار نابهنجار فرد باید شرایط مناسب یادگیری را فراهم آورد و از این راه به تغییر رفتارهای نابهنجار و جانشین ساختن آن‌ها با رفتارهای بهنجار اقدام کرد.» (سیف، ۱۳۷۷، ۴۵).

نکته مهم اینکه، عصیان و نافرمانی در هر مرتبه و هر طبقه از جامعه که باشد از نظر اسلام و آموزه‌های وحیانی مذموم شمرده شده و سبب ایجاد اختلال در نظام اجتماعی و روابط انسانی می‌گردد. فراگیری طغیان و عصیان‌گری در اقشار مختلف جامعه، پیامدهای متفاوتی دارد؛ به‌طور مثال، عصیان و تمرد از قوانین اجتماعی توسط جوانان و نوجوانان یک نوع پیامد زیاده‌طلبی و سرکشی در میان حاکمان و سیاستمداران و افراد صاحب ثروت و منصب است که طیف وسیعی از جامعه را آلوده می‌کند. برای رسیدن به راهکار قرآنی برخورد با این مشکل در جامعه لازم است ابتدا عصیان و طغیان را تعریف کرد و پس از بررسی تفاوت آن‌ها، به روش برخورد با آن پرداخت. واژه «عصیان» از ماده «عصى» با دو معنای اصلی عصا (چوب‌دستی) و نافرمانی و معصیت گرفته شده است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۳۳۳ و ۴۳۵) واژه «طغیان»، مصدر از ماده «طغو»، «طغی»، «به

معنای تجاوز از حد متعارف» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۷، ۸۲)، «تجاوز از حد در عصیان و نافرمانی» (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۳۰۴) در نتیجه به معنای از حد و اندازه گذشتن و از اعتدال فرارفتن، برآشفتن، آواره، و سرگردان و گمراه شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۴۳۵) آمده است. گستره معنایی طغیان محدودتر از عصیان است. زمانی که فرد در مقابل پروردگار خود ایستاده و با تکبر و غرور به سرکشی خود ادامه داده و دیگران را هم مورد ظلم قرار می‌دهد طغیان کرده است. روش پیامبران در برخورد با موقعیت‌های مختلف به دلیل وصل بودن به منبع وحی الهی، بهترین روش برای مرییان جهت هدایت جامعه خواهد بود. خداوند به عنوان آفریننده بشر برای هدایت افراد سرکش و عاصی در آیه ۴۴ سوره طه به پیامبرش فرمان به «قول لّین» داده است. آنچه در این پژوهش بررسی شده، این است که با روش دقیق معناشناسی و با مراجعه به تفاسیر و ویژگی‌های «قول لّین» بررسی می‌شود؛ ویژگی‌هایی که می‌تواند باعث هدایت این گونه افراد در جامعه گردد. «نگاه تربیتی به قرآن به مثابه رویکردی جدید برای کاربردی کردن آموزه‌های قرآنی و تخصصی کردن فهم قرآن و استخراج مفاهیم تربیتی از قرآن است. تفسیر تربیتی مراجعه به قرآن کریم برای کشف دیدگاه قرآن در موضوعات مصرح و غیرمصرح تربیتی است» (اعرافی، ۱۳۹۷، ۴۰). با دقت در آیات ۴۳ و ۴۴ در سوره طه به نظر می‌رسد برای اصلاح همه افراد جامعه امید هدایت وجود دارد. انگیزه انتخاب این موضوع یافتن روش هدایت‌گری مناسب در برخورد با افراد سرکش به منظور هدایت آن‌ها با توجه «قول لّین» است. بر همین اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: نقش هدایت‌گری «قول لّین» در مواجهه با افراد سرکش و عاصی با توجه به آیات مذکور چگونه است؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

شاه‌محمدی و مفتاح (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی اصل قرآنی قول حسن از منظر مفسران و تحلیل نقش آن در مدیریت تعارضات اجتماعی» دلایل به‌وجود آمدن تعارضات اجتماعی قبل و حین و بعد از وقوع را با روش تحلیلی - توصیفی بررسی کرده و نقش اصل قرآنی «قول حسن» را در مدیریت آن مورد تحلیل قرار داده‌اند. این تحقیق برخورد با قول حسن را مطلق و شامل همه مردم مؤمن و غیر مؤمن دانسته و آن را

درب‌گیرنده پنج اصل و محور می‌داند: ۱- حسن عقیده و نیت؛ ۲- حسن سخن هم در محتوا و هم در روش؛ ۳- حسن عمل هم در محتوی هم در روش؛ ۴- رد بدی با خوبی؛ و ۵- خشونت و قاطعیت در موارد لازم.

بیابانگرد و رضائیان (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «مذاکره به‌جای مشاجره در خانواده» در خصوص لزوم مذاکره با بچه‌ها تحقیقی انجام داده است و در آن تأکید می‌کند که توجه داشته باشیم که هرگز نمی‌توانیم و نباید حق مجادله را از کودک خود بگیریم؛ آن‌ها باید رشد کنند. وی می‌گوید کودکی که حق ندارد از خودش نظری داشته باشد یا در مورد مطالبی اظهار نظر کند یعنی حق ندارد در آینده «کسی» شود؛ و در ادامه می‌گوید جر بحث با کودک اهل جدل و مشاجره به‌اندازه کافی سخت است و وقتی شما خونسردی خود را از دست می‌دهید، دیگر تقریباً غیرممکن است.

فغانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «جایگاه قول لَین در امر به معروف و نهی از منکر» نحوه برخورد با افرادی که در اجتماع مرتکب گناه و اشتباه می‌شوند را مدنظر قرار داده و جایگاه قول لَین را در افزایش اثر امر به معروف و نهی از منکر و میزان پذیرش مخاطب بررسی کرده و در نتیجه با استفاده از داستان‌های قرآنی و زندگی ائمه اطهار (ع) و پیامبر (ص) و آیات و روایات معصومین (ع) کارآمدی «قول لَین» در مواجهه با این افراد اثبات کرده است.

بشکوفه و غلامزاده جفره (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «اثر بخشی آموزش مدیریت رفتار به مادران بر پرخاشگری و نافرمانی مقابله‌ای فرزندان نوجوان» ضمن بررسی نتایج نامطلوب نافرمانی بر روابط بین فردی آن‌ها و اهمیت آموزش مدیریت رفتار به مادران در جهت کاهش پرخاشگری فرزندان، نتیجه گرفته است که «آموزش مدیریت رفتار» به مادران باعث کاهش پرخاشگری و نافرمانی در نوجوانان شد و پیشنهاد آموزش مدیریت رفتار توسط روان‌شناسان را به خانواده‌های این افراد توصیه می‌نماید.

فلاح و نصیری سوادکوهی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «الگوی اخلاقی قرآن در برخورد با انحراف‌های اخلاقی (با تأکید بر دوره جوانی)» به الگوبرداری از اصول و شیوه‌های برخورد قرآن با انحراف‌های اخلاقی پرداختند تا بتوان بر اساس آن، به شیوه-

ای اثربخش و متفاوت از دیگر شیوه‌های کنش متقابل با ناهنجاری‌های بعضاً شدید اخلاقی دست یافت؛ شیوه‌های بیان‌شده در قرآن مبتنی بر اصول خاصی است که از آن جمله «اصل تکریم شخصیت با شیوه گفتار نیک و رعایت ادب» می‌تواند کرامت جوان خاطی را حفظ کند و بستر را برای هدایت آماده سازد. اصل «تذکر با شیوه استدلال و بینه» و «عبرت»، «موعظه»، «تمثیل» و «انذار» و «تبشیر» الگوی مناسبی برای بیداری جوان جاهل می‌باشد. اصل «تناسب با شیوه‌های صراحت در رفتار و گفتار»، «تغافل و تجاهل» و «تساهل و تسامح»، «صفح و عفو» و «میان‌روی» سبب حفظ حقوق جوان نسبت به خطای انجام‌شده می‌گردد.

علی‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده، پژوهشی که به مفهوم‌شناسی «قول لین» با رویکرد معناشناسی جدید، توجه به عرف ویژه قرآنی، تطور واژگان و ارتباط میان کاربردهای آن پرداخته باشد، یافت نشد؛ لذا امتیاز پژوهش حاضر، بررسی مفهوم «قول لین» در عرف ویژه قرآن، تطور معنایی واژگان و توجه به شبکه ارتباطی واژگان قرآنی هست که گمان می‌رود در بیشتر پژوهش‌های پیشین، مورد غفلت واقع شده است.

در این قسمت به مبانی نظری پژوهش که علاوه بر این که در شناخت بهتر موضوع مفید است، در افزایش سرعت عمل تحقیق، فهم، نقد و بررسی یافته‌ها نیز مؤثر خواهد بود، پرداخته می‌شود جامعه آماری تحقیق تفاسیر موجود در زمینه آیات مربوط و مرتبط به قول و برخورد نرم در قرآن است و حجم نمونه نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و انتخاب تفسیر آیات مربوطه از پنج دوره تفسیر از مفسران قرآن یعنی تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تسنیم، مجمع‌البیان و تفسیر نور انتخاب شد.

هر متنی دانسته‌هایی در خود پنهان دارد که باید کشف و بررسی شود و معناشناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی، در پی کشف چگونگی سازمان‌دهی این دانسته‌ها در کلام است، در واقع، معناشناسی در پی معرفی راه‌هایی است که بتوان با آن هر نوع متن را بررسی کرد. نگاه معناشناسی به متن، یکی از راه‌های دستیابی به دقایق معنا و پی‌بردن به مقصود اصلی گوینده است، معناشناس قادر به ارائه لایه‌های جدید از معانی الفاظ در قرآن کریم است. معناشناس در این روش با به‌کار بردن نگاه جزئی در

مورد واژگان یعنی بررسی لغوی واژه و نیز ارتباط هم‌نشینی و جانیشینی و سیاق آیات قادر خواهد بود به لایه‌های معنایی الفاظ و همچنین عوامل مؤثر در تشکیل معنای منحصر به فرد هر واژه دست یابد. این نظریه که از اواسط قرن نوزدهم پا به عرصه زبان-شناسی نوین گذاشت، به بررسی معنا در ساختار کلام می‌پردازد. معناشناسی به منزله یک ابزار، دریافت فحوای کلام و نیز مقصود گوینده را برای خواننده یا شنونده را آسان می‌نماید. این علم در فهم متون دینی و به ویژه قرآن کریم از جایگاه ارزشمندی برخوردار است؛ البته باید توجه داشت که کلام الهی سرشار از رموز و شگفتی است و دست کوتاه علم بشری هرگز به بلندای مفاهیم و مقاصد آن نخواهد رسید. «علم معناشناسی، رویکردهای متفاوتی دارد؛ یکی از این رویکردها، مکتب لندن یا رویکرد بافتی است. این مکتب تأکید زیادی به بافت و سیاق واژگان دارد که بر اساس آن، معنا تنها در خلال قرار گرفتن در بافت کشف می‌شود» (احمد مختار، ۱۳۸۶، ۶۵).

نظریه بافت (سیاق): یکی از رویکردهای مهم معناشناسی یک متن، نگاه بافتاری به آن است در مطالعات مسلمانان و به ویژه در تفسیر قرآن، همواره این نگاه مدنظر بوده که قرآن به منزله یک متن واحد است. نمونه آن، رویکرد تفسیر «قرآن با قرآن» است. براساس این رویکرد، به همه آیه‌های نظیره (یعنی مرتبط با موضوع آیه مورد تفسیر) رجوع می‌شود آیه‌های نظیره را می‌توان بافت متنی آیه تفسیر شده دانست. منظور از بافت در زبان‌شناسی، ذیل مبحث معنی‌شناسی کاربردی «فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شود که منظور آن، شبکه روابطی است که میان صورت (دستور و واژگان) و جهان بیرون وجود دارد و در حقیقت معنای خارجی زبان را تشکیل می‌دهد» (ساغروانیان، ۱۳۶۹، ۳۷) «سیاق مصدر فعل ساق به معنای رشته پیوسته، راندن، تابع، اسلوب و روش می‌باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۰، ۱۶۶). «در اصطلاح به طرز جمع‌بندی که برگرفته از چینش و نظم خاص کلمات است گفته می‌شود؛ به گونه‌ای که گاهی افزون بر معنای هر یک از کلمه‌ها و سپس معنای جمله، معنایی دیگر را نیز به همراه آورد» (خامه‌گر، ۱۳۸۶، ۱۱۹). بر اساس نظریه بافت «بیشتر واحدهای معنایی در مجاورت واحدهای دیگر واقع می‌شوند و معانی این واحدها تنها با ملاحظه دیگر

واحدهایی که در مجاورت آن‌ها واقع می‌شوند، قابل توصیف و تعیین هستند» (عمر، ۱۹۹۸، ۶۸-۶۹).

رابطه هم‌نشینی: رابطه‌ای است در محور افقی کلام که اجزای آن در کنار هم قرار گرفته و عبارت را به صورت خطی بررسی می‌کند و باعث افزایش معنا می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸، ۳۳). «هدف اصلی در هم‌نشینی واژگان، به هم پیوستن مفاهیم و تصورات فردی هر واژه است زیرا کلمات در قرآن کریم تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته است بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و معنای خود را از مجموع ارتباطی به دست می‌آورند که با یکدیگر دارند؛ در نتیجه در تجزیه و تحلیل تصورات کلیدی فردی در قرآن کریم هرگز نباید روابط متعددی که هر یک از آن‌ها با دیگر واژگان در کل متن دارند از نظر دور کرد.» (ایزوتسو^۱، ۱۳۹۳، ۶).

رابطه جانشینی: «رابطه جانشینی معنایی از عوامل مؤثر در ایجاد معنا در عبارت، جمله و متن است. اختلاف میان معنای حاصل از جاگذار احتمالات مختلف در جانشینی معنایی از دلایل بروز چنین تأثیری هستند» (حدادی و ذوالفقاری، ۱۳۸۹، ۷۲). «جانشینی معنایی انتخاب یک نشانه به جای نشانه‌های دیگر بر حسب تشابه است» (صفوی، ۱۳۸۷، ۲۶۹) «گاهی ساختار جمله اقتضا دارد که واژه‌ای جایگزین واژه‌ای دیگر شود؛ بنابراین، عناصر جمله با آن واژه غایب، رابطه و نوعی مناسبت دارد. این دسته از واژه‌ها رابطه جانشینی دارند» (ساغروانیان، ۱۳۶۹، ۲۱۳-۲۱۵). رابطه جانشینی به ارتباط اجزایی گفته می‌شود که لزوماً حضور فیزیکی در یک زنجیره گفتاری ندارد بلکه در زنجیره‌ای حافظه‌ای درک می‌شود و در ورای گفته‌ها و جملات حضور دارند. (تجری و رئوفیان، ۱۳۹۹، ۱۲).

معناشناسی واژگانی: «نظام محاوره و مفاهمه بشری بر این اساس استوار گردیده است که گوینده یا نویسنده مقصود خود را با استفاده از کلمه‌ها و عبارت‌های گفتاری و نوشتاری بیان می‌کند؛ از این رو، هر متنی معنای ویژه‌ای دارد که مورد نظر پدیدآورنده

آن بوده است.» (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۳، ۵۸) بنابراین، یکی از مؤلفه‌های مهم برای تفسیر صحیح متن دینی، بررسی معناشناسانه واژگان به وجود آورنده متن و روابط مفهومی بین آنهاست. به عقیده محققان، از جمله مهم‌ترین روابط مفهومی در سطح واژگان عبارت‌اند از: شمول معنایی^۱، هم معنایی^۲، چندمعنایی^۳ و تقابلی معنایی^۴. در مواجهه با کلمات قرآن کریم، این روابط معنایی به دو دسته رابطه نحوی - معنایی یا مکملی و رابطه معنایی - معنایی که دوه‌دو با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند، تقسیم شده که خود رابطه معنایی - معنایی نیز به سه نوع تقابلی، اشتدادی و توزیعی، قابل تقسیم است؛ بنابراین، «روابط بین واژگان قرآنی شامل بر چهار نوع مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی خواهد بود» (شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۰۱-۱۰۲).

در این پژوهش از روش معناشناسی استفاده شده است. «معناشناسی علمی است که با نمود معنا در گسترده‌ترین معنای آن کلمه سر و کار دارد؛ معنایی چندان وسیع که تقریباً هر چیز دارنده معنا می‌تواند موضوع تحقیق معناشناسی قرار گیرد» (ایزوتسو، ۱۳۹۳، ۲). در زبان‌شناسی جدید معنای واژگان از دو نگاه «زمان گذر» و «هم‌زمان» می‌توان بررسی کرد. «معناشناسی تاریخی» به مطالعه تاریخی تغییرات واژگان در گذر زمان می‌پردازد و «معناشناسی توصیفی» به مطالعه رابطه معنایی واژگان یک حوزه معنایی در مقطع زمانی خاص» (صفوی، ۱۳۸۷، ۱۹۶). این دو نگاه متأثر از «زبان‌شناسی در زمانی» و «زبان‌شناسی هم‌زمانی» هستند. «زبان‌شناسی در زمانی، تحوّل زبان را در طول زمان بررسی می‌کند و به مطالعه و تحلیل تغییرات می‌پردازد که در گذر زمان در زبان‌ها به وجود آمده‌اند.» (حق‌شناس، ۱۳۸۵، ۳۴۶) ولی زبان‌شناسی هم‌زمانی (توصیفی) به سازوکار زبان و

۱. آنگاه که مفهومی به دلیل فراگیری بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، رابطه شمول معنایی مطرح است (شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۲۵).

۲. میان واحدهایی است که اگر جانشین یکدیگر شوند، شم زبانی سخنگوی زبان، تغییری در معنای زنجیره کلام در نیابد، هم معنایی رابطه‌ای نسبی است که کمترین تشابه در کاربرد معنایی دو کلمه، نوعی هم معنایی ناقص بین آنها به وجود می‌آورد.

۳. شرایطی است که یک واحد زبانی از چند معنا برخوردار شود.

۴. این رابطه به هنگام بحث از واژگانی که رابطه معکوس با یکدیگر دارند مطرح است.

تشریح ساختمان آن می‌پردازد و هر زبانی را در هر برشی از زمان به منزله نظام ارتباطی خود کفا و مستقل بررسی می‌کند (حق‌شناس، ۱۳۸۵، ۴۱۶).

در این مقاله سعی شده است با روش معناشناسی توصیفی که پایه‌گذار آن فردینان دو سوسور^۱، زبان‌شناس غربی است موضوع بررسی شود. البته «دیدگاه و تحلیل‌های ایزوتسو درباره قرآن نیز متأثر از زبان‌شناسی سوسور است» (فائمی‌نیا، ۱۳۹۳، ۵۳۰).

سوسور انواع رابطه‌های ساختاری را به دو نوع تقسیم کرده است: هم‌نشینی و جانشینی. رابطه هم‌نشینی، پیوندی است که میان واحدهایی برقرار می‌شود که همگی مستقیماً در یک ساخت حاضرند و جانشینی به ارتباط اجزایی گفته می‌شود که لزوماً حضور فیزیکی در یک زنجیره گفتاری را ندارند. (تجری و رؤفیان، ۱۳۹۹، ۱۵).

نگاه معناشناسی به قرآن و تحلیل معنایی واژگان قرآنی یکی از راه‌های پی‌بردن به مقصود خداوند و دقایق معنا در قرآن است و معناشناسی قادر به ارائه لایه‌های جدید از معنا در کلمات موجود در قرآن کریم است. در این روش، سعی در ارائه الگوی مناسب در حوزه معناشناختی برای مطالعات قرآنی است.

با اعتقاد به این که اصل در قرآن، عدم ترادف واژگان است؛ در این روش، محقق با نگاه جزئی به واژگان، یعنی معنای لغوی واژه و توجه به بافت (سیاق) آیات به عنوان فضای پیرامونی آیه و دقت در آیات مشابه و واژگان هم‌نشین و جانشین آن قادر خواهد بود به لایه‌های معنایی الفاظ و معنای منحصر به فرد واژه دست یابد. و این پژوهش به دنبال پیداکردن روش قرآنی برخورد با افراد سرکش برای هدایت آن‌هاست. هدایت به معنای راهنمایی کردن و نشان دادن راه و در قرآن کریم به معنای هدایت الهی، دلالت و آشکار کردن ارشاد و راهنمایی کردن است. «هدایت تعیین کمال مناسب شیء و راه رسیدن به آن است و هر موجودی که کمال او عین ذاتش نیست به هدایت نیازمند است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۳۵).

قول در قرآن

قرآن مجید به منظور هدایت همگان تنزل یافت، تمام افرادی که در پهنه زمین و گستره زمان به سر می‌برند از نور رهنمود او برخوردار خواهند شد و در فهم معارف آن، نه فرهنگ خاصی معتبر است که بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد و نه تمدن مخصوصی مانع است که با داشتن آن از لطایف قرآنی محروم و با ابتلای به آن بهره‌مندی از رهاورد آسمانی برای او میسر نباشد؛ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (فرقان ۱).

سخن وسیله انتقال مفاهیم و ارتباط بین افراد انسان و همچنین بهترین ابزار انتقال افکار و حتی تأثیرگذاری است که جایگاه آن در آیات ۱ تا ۴ سوره «الرحمن» بیان شده است: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْكِتَابَ». یکی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی بعد از نعمت آفرینش، نعمت بیان است. گویا مفهوم این سخن آن است که انسان است و بیانش. مراد از بیان، «کلامی است که از آنچه در ضمیر است، پرده برمی‌دارد ... این همان تکلم و نطق است که اجتماع مدنی بشر بدون آن کامل و تمام نمی‌شد ... بیان قدرت بر سخن، از اعظم نعمت‌ها والای ربانی است که برای بشر موقف انسانی‌اش را حفظ می‌نماید و به سوی هر خیری هدایتش می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵۹، ۱۹). منظور از قول، گفتار و در برخی مواقع به رفتار نیز تعبیر می‌شود؛ چرا که رفتار ملازمه گفتار است. «کلمه قول اگر با صفت لَين یا نرم یا معروف بیاید، قابل آن است که کرامت و حرمت انسان‌ها را حفظ کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴، ۳۱۷). از آنجا که خداوند وقوف کامل به مخلوق خود، یعنی جنس بشر دارد، بهتر از خود بشر می‌داند که چه نوع تکلمی و در چه شرایطی می‌تواند به نفع او تمام شود.

در قرآن کریم، چند نوع گفتار نسبت به مخاطب وجود دارد که از آن جمله، قول لَين (طه ۴۴)، قول سدید (النساء ۹ و الأحزاب ۷۰)، قول حسن و احسن (البقره ۸۳ و الأسراء ۵۳)، قول معروف (البقره ۲۳۵ - ۲۳۶؛ النساء ۵ و ۸ و الأحزاب ۳۲) و قول کریم (الإسراء ۲۳) است. خداوند در قرآن به بیان انواع گفتار پسندیده و ناپسند در میان اقشار مختلف مردم پرداخته است و با سنجش آثار، آن‌ها را ارزش‌گذاری می‌فرماید که این

ارزش‌ها در حیطه‌های گوناگونی، مانند عقیدتی، اجتماعی، عاطفی و... کاربرد دارند. به‌عنوان نمونه خداوند در خصوص برخورد با فقرا و یتیمان توصیه به برخورد با قول معروف دارد، قول معروف سخن دلنشین و شایسته‌ای است که کمبود روانی آن‌ها را برطرف می‌کند «وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء ۸) یا در معاشرت با مردم قول حسن یکی از رهنمون‌های جامع قرآنی در ارتباط با تنظیم روابط افراد اجتماع با یکدیگر است «وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره ۸۳) و انسان در برخورد با پدر و مادر به قول کریم توصیه شده است «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء ۲۳) «قول کریم سخن شیرین و لطیف همراه با محبت و عاطفه و احترام و نگاه مهربان و لبخند و بزرگووارانه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲، ۷۵). در برخورد با افراد عصیانگر و طاغی که می‌توان یکی از مصداق‌های قرآنی آن‌ها را فرعون در نظر گرفت خداوند دستور به قول لین داده است «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه ۴۴) به‌راستی چه ویژگی در قول لین وجود دارد که خداوند جهت هدایت فرعون به این نوع کلام دستور داده است؟ در این جستار به دنبال پاسخ به این سؤال به روش معناشناسی هستیم.

قول لین

معنای لغوی لین

«لین از «لین» (ضد خشونت) مشتق شده است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۳، ۳۹۴). لینه به معنای نرمی است و به درخت خرما که میوه‌ای نرم دارد، لینه می‌گویند. «لینه» از ماده «لون» به یک نوع عالی از درخت خرما می‌گویند، و بعضی آن را از ماده «لین» به معنی نرمی به نوعی از درخت خرما تفسیر کرده‌اند که شاخه‌هایی نرم و نزدیک زمین و میوه‌ای نرم و لذیذ دارد. کلمه لینه به درخت خرمایی می‌گویند که خرم و پر بار است؛ حال هر نوع خرما که باشد. «گاه «لینه» به «الوان» و انواع مختلف درخت نخل یا «نخله کریمه» تفسیر شده است که تقریباً همه به یک چیز برمی‌گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۳، ۴۹۵). «قول لین» سخنی خواهد بود که نرم و خالی از خشونت باشد. در لغت گفته

شده است: «اللين ضد الخشون»؛ لیت ضد خشونت است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ۱، ۷۵۲) کلام لَین همراه با نوعی نرمی و ملایمت است.

بررسی واژه لَین در محور هم‌نشینی

همان‌گونه که گفته شد، رابطه هم‌نشینی رابطه‌ای است در محور افقی کلام که اجزای آن در کنار هم قرار گرفته و عبارت را به صورت خطی بررسی می‌کند و باعث افزایش معنا می‌شود. هدف اصلی در هم‌نشینی واژگان، به هم پیوستن مفاهیم و تصورات فردی هر واژه است زیرا کلمات در قرآن کریم تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته است بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و معنای خود را از مجموع ارتباطی به دست می‌آورند که با یکدیگر دارند؛ در نتیجه در تجزیه و تحلیل تصورات کلیدی فردی در قرآن کریم هرگز نباید روابط متعددی که هر یک از آنها با دیگر واژگان در کل متن دارند از نظر دور کرد. در آیه ۴۴ سوره طه واژه لَین با دو واژه «تذکر» و «خشیت» هم‌نشین شده است که این واژه‌های هم‌نشین هر کدام بعدی از ابعاد معنایی واژه را مشخص می‌کنند.

ذکر: ذکر از واژه‌هایی است که در فرهنگ‌های لغت بر حسب تفاوت‌های اعرابی به دو معنا اصطلاحی در آیات قرآن به کار رفته است؛ «ذکر» به کسر (ذال) به معنای یاد کردن و به یاد آوردن و «ذکر» در معنای جنس مذکر در مقابل جنس مؤنث به کار می‌رود. /فراهِیدی «ذکر» را «جاری شدن چیزی به زبان یادآوری چیزی، شرافت و خوش‌نامی، کتابی که تفصیل دین در آن آمده نماز، دعا و ثنا را می‌آورد». /فراهِیدی (۱۴۰۹، ۶۲۵). /بن‌درید از آن به ضد فراموشی یاد می‌کند اعم از این که قلبی باشد یا زبانی.

«ذکر» در قرآن یکی از واژه‌های پر تکرار است که مشتقات آن ۳۰۰ بار در قرآن به کار رفته است» (ابوطالبی، ۱۳۹۴، ۳۲۴). در آیات قرآن، ذکر به معنای حفظ در مقابل نسیان و غفلت به کار رفته است. ذکر و یادآوری می‌تواند بعد از فراموشی باشد که در این صورت در مقابل نسیان استعمال می‌شود. علامه طباطبایی تذکر در آیه ۴۴ سوره طه را به معنای یادآوری و قبول ایمان می‌داند و می‌گوید: «کلمه "تذکر" به معنای قبول یادآوری و التزام به مقتضیات حجت یادآورنده و ایمان به آن است و کلمه "خشیت" به معنای مقدمه آن قبول و ایمان است، پس برگشت معنا به این می‌شود که شاید او

ایمان بیاورد و یا نزدیک به ایمان آوردن شود و حداقل بعضی از خواسته‌های شما را اجابت کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴، ۲۱۳).

خشیت

«کلمه خشیت از ریشه «خشی» به معنای ترسی است که بزرگداشتی را به همراه آورد؛ یعنی در نظر انسان، امری عظیم و خطری بزرگ جلوه کند، چنان‌که این واژه در مورد عالمان به کار رفته است. خداوند می‌فرماید: *إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ* (فاطر ۲۸) زیرا عالمان خداوند را آنچنان که شایسته است به خوبی می‌شناسند و از او می‌ترسند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۲۸۳).

در آیه ۴۴ سوره طه حضرت موسی (ع) مأمور به بیان رسالت، دعوت و هدایت فرعون با قول لین می‌شود. قول لین با استدلال قوی روشی عملی است که نتیجه آن ایجاد خشیت است؛ و همان‌گونه که علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خشیت مقدمه قبول رسالت، ایمان و هدایت است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴، ۲۱۳).

فرق میان "یتذکر" و "بخشی" در اینجا این است که: اگر با سخن نرم و ملایم با فرعون روبه‌رو شوید و درعین حال مطالب را با صراحت و قاطعیت بیان کنید یک احتمال این است که او دلایل منطقی شما را از دل بپذیرد و ایمان آورد. احتمال دیگر اینکه لااقل از ترس مجازات الهی در دنیا یا آخرت و بر باد رفتن قدرتش، سر تسلیم فرود آورد و با شما مخالفت نکند. البته احتمال سومی نیز وجود دارد و آن اینکه نه متذکر شود و نه از خدا بترسد، بلکه راه مخالفت و مبارزه را پیش گیرد که با تعبیر "العل" (شاید) به آن اشاره شده است؛ و در این صورت نسبت به او اتمام حجت شده است، و در هیچ حال اجرای این برنامه بی‌فایده نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳، ۲۰۸).

بررسی واژه لین در محور جانشینی

همانگونه که گفته شد، رابطه جانشینی از عوامل موثر در ایجاد معنا در عبارت، جمله و متن است اما باید به این نکته توجه داشت که هر واژه در قرآن کریم دارای افاده معنایی مخصوص به خود است و با در نظر گرفتن این اصل در قرآن کریم که میان واژه‌ها تردافی وجود ندارد. واژگان در قرآن کریم تفاوت‌هایی دارند که باعث می‌شود هر

واژه‌ای نتواند آن معنای لفظی که خداوند در آیات خود استعمال کرده است افاده نماید؛ بنابراین، هر واژه‌ای در قرآن کریم جایگاه منحصر به خود به کار برده شده است. در ادامه، واژگانی را بررسی می‌کنیم که در قرآن کریم می‌توانند جایگزین «قول لین» گردند.

۱- قول سدید

سدید از ماده «س د د» بر وزن فعلیل استعمال شده و «السَّد» به معنای دیوار و مانع طبیعی و «السَّد» به معنی دیوار و مانعی ساختگی و مصنوعی آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۴۰۳) «سدید بر وزن فعلیل صفت مشبیه از ریشه فعلی (سَدَّه یَسُدُّه سَدًا) می‌باشد. اصل سد مصدر است و به موانع تشبیه شده است این واژه وقتی به همراه قول به کار برود به معنای صواب قصد شده است» (فیروزآبادی، ۱۴۲۰ ق، ۱، ۴۱۶). سدید به معنای «صواب و درستی» (جوهری، ۱۹۸۷ م، ۲، ۴۸۵)، هر چیز دارای استقامت، سدید (س) (ع ص) استوار و راست. (منتهی الارب). راست. (مهذب الاسماء). راست و درست و محکم و استوار.

طبری «قول سدید» را «عدل و صواب در سخن» تعریف می‌کنند. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۴، ۱۸۴). مکارم شیرازی قول سدید را «زبان ملایم و عباراتی سرشار از عواطف انسانی و حق و درست می‌گوید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۲۸۷). علامه طباطبایی قول سدید را سخنی می‌داند که «هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد و هم دارای ثمره مشروع باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶، ۳۴۷) و همچنین ایشان در ذیل آیه ۹ سوره نسا، قول سدید را کنایه از اتخاذ روش صحیح عملی در مورد ایتام و ترک طریقه ناصحیح معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴، ۳۱۷).

«قرآن کریم انسان را به قول سدید سفارش می‌کند نه قول شدید و لَیْقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (نساء ۹) گاهی انسان فریاد می‌زند و همچنین نعره و عریده می‌کشد که اینها قول شدید هستند و اما بی‌تأثیر در حالی که و لَیْقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا یعنی محکم، دقیق و سد گونه سخن بگویید» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۳۳۴).

از بررسی آیه ۴۴ سوره طه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا» قول لَیِّن و نرمی که حضرت موسی (ع) به آن سفارش شده است به معنای حذف آرمان‌ها و عقاید نیست بلکه قولی محکم و بدون سستی و مستدل اما همراه با مهربانی و عطف و محبت است برای تأثیر گذاری و هدایت بیشتر.

۲- قول بلیغ

واژه دیگری که می‌تواند جایگزین «لَیِّن» در ترکیب قول لَیِّن گردد، واژه «بلیغ» است. وظیفه حضرت موسی (ع) ابلاغ پیام خداوند به فرعون برای هدایت فرعون بود. واژه بلیغ از ریشه بلغ بر وزن فعل می‌باشد. *راغب اصفهانی* در مفردات بلاغ را به معنای رسیدن به هدف و رسیدن به انتهای مقصد معنی می‌کند با نزدیک شدن به هدف و اینکه انتهای هدف نرسیده باشد (*راغب اصفهانی*، ۱۴۱۲ ق، ۱۴۴). *قزوینی* (۱۴۲۵ ق) در *تلخیص‌المفتاح* بلاغت در مفهوم اصطلاحی آن را مطابقت کلام با مقتضای حال مخاطب همراه با فصاحت الفاظ آن می‌داند؛ بنابراین سخن بلیغ دارای دو ویژگی است: ۱- اندرز گونه و همراه موعظه است ۲- تأثیر در عمق وجود انسان دارد تا حجت بر افراد تمام شود. به همین دلیل «خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد قول و عمل بلیغانه داشته باشد» (طوسی، ۳، ۲۴۲).

ابن سنان به اقتضای حال سخن گفتن را از شرایط بلیغ بودن متکلم می‌داند. به نظر او متکلم بلیغ کسی است که حقیقت کلام بر حسب احوال او اعم از قصد و اراده باورش واقع شود. وی عالم، عاقل و یا جاهل بودن متکلم را معیار حُسن و قبح کلام می‌داند. یکی از راه‌های نفوذ و رسوخ در ذهن و روح مخاطب، به کار بردن کلمه و کلام به روش‌های بلیغانه است. سخن لَیِّن سخنی بلیغ است به مقتضای حال افراد سرکش و عاصی. «خداوند در آیه ۶۳ سوره نساء می‌فرماید: وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِیْ أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِیْغًا (۶۳) خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد آن‌ها را موعظه کن و اندرز بده و به آن‌ها با سخنانی رسا که در دل و جان آن‌ها نفوذ کند، سخن بگویی و ضمناً نتایج اعمالشان را به آنان گوشزد کن.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۴۴۹)

قول کریم

واژه دیگری که می‌تواند جایگزین «لین» در ترکیب قول لین گردد، واژه «کریم» است. اصل ماده کریم از «کرم» است که ۴۷ بار در ۲۹ سوره از قرآن آمده است. کریم به معنای الف) «نفیس و عزیز» (فیومی، ۱۴۱۴ ق، ۲، ۵۳۱). ب) شریف: «هر چیزی که در حد و غایت خودش، شریف ارجمند باشد، با کلمه «کرم» توصیف می‌شود» (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ۵، ۱۷۱). ج) «سخاوت و بخشش ضد لثامت و پستی است (الکرم نقیض اللثوم) پس کریم به معنای سخی است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۲، ۵۱۰). طبرسی در مجمع‌البیان «قول کریم» را سخن نازک و لطیف و به‌دوراز لغو و زشتی می‌داند. مکارم شیرازی «قول کریم» را سخن شیرین و لطیف همراه با محبت و عاطفه و احترام و نگاه مهربان و لبخند و بزرگواران می‌داند. علامه طباطبایی «قول کریم» را رعایت ادب در معاشرت و گفت‌وگو و اکرام و احترام می‌داند. ویژگی‌هایی که برای قول لین گفته شد، با این ویژگی‌ها می‌تواند تطابق داشته باشد و قول کریم جانشینی برای قول لین در نظر گرفته شود.

کاربردهای قرآنی واژه لین

واژه لین و مشتقات آن، پنج بار در قرآن به کار رفته است: حشر، ۵، آل‌عمران ۱۵۹، زمر ۲۳، سباء ۱۰، طه ۴۴ که قول لین یا نرم خصوصیات خاصی دارد که در اکثر مواقع، واکنش مثبت به همراه دارد و به نوعی، سبب بیداری دل آدمی می‌شود و نیز با چنین گفتاری می‌توان از مخاطب اعتراف گرفت. به همین سبب انبیا و ائمه (ع) این شیوه را در مناظرات خود انتخاب کرده بودند. قرآن کریم نیز برای رعایت کرامت انسانی و با هدف نفوذ در دل‌ها، امر به خوش‌زبانی و اجتناب از درشت‌گویی را مکرراً در آیات خود متذکر می‌شود: **وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمُ (الإسراء: ۵۳).**

همچنین، دستور قرآن در کنش متقابل اجتماعی با اطرافیان، برخورد ملایم و توأم با مهر و عطوفت انسانی است؛ آنجا که به پیامبرش در دعوت فرعون به خیر و خوبی می‌فرماید: **فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه ۴۴).** صاحب تفسیر نمونه هدف از

قول لَين را «جذب مخاطب، متذکر شدن، هدایت و یا حداقل آگاهی از عواقب شوم کار بد و انحرافات می‌داند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۱۳، ۲۱۲). از این آیه مشخص می‌شود که «شروع تربیت و هدایت باید با سخن نرم باشد و گام اول در نرم صحبت کردن است. همچنین، نباید از هدایت ناامید گشت» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۵، ۳۴۶).

هر شخصی توانایی تشخیص تأثیر و کنش متقابل شیوهٔ صحبت خود بر شخص مقابل را دارد. قرآن ضمن توجه به این تأثیرات در آیهٔ ۱۰۴ سورهٔ بقره می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

باید به انعکاس حرف‌ها توجه داشت. ممکن است کسی حُسن نیت داشته باشد، اما بازتاب شیوهٔ برخورد خود را در نظر نگیرد. اسلام به انتخاب واژه‌های مناسب، بیان سنجیده و نحوهٔ طرح ارائهٔ مطلب توجه دارد. اهمیت انعکاس سخن به میزان خود سخن و یا گاهی بیشتر از آن است. علامه طباطبایی معتقد است که «قول مؤمن نباید موجب افساد شود». (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۶، ۵۲۳). در نتیجه، باید مراقب بود که از سخن درشت یا سخنی که جوان را نه تنها از انحراف برنمی‌گرداند، بلکه به سمت فساد می‌کشاند، اجتناب نمود. این امر مخصوص جوانان نیست، بلکه در محاجهٔ حضرت ابراهیم (ع) با پدرش شاهد سخن و قول کریمانه و نرم و درعین حال، استدلالی و هدف‌دار هستیم که در قالب هشدار دلسوزانه، پدر را متوجه عواقب انحراف او می‌کند (مریم: ۴۱ - ۴۸) و یا زمانی که حضرت نوح (ع) در قبال انحراف و سرکشی فرزندش، او را با لحن دلسوزانه «یا بنی» صدا می‌زند و یا حتی بعد از آن، برای فرزندش طلب شفاعت می‌کند، نشان از رفتار محبت‌آمیز حضرت نوح (ع) در مقابل انحراف فرزندش دارد (هود: ۴۲).

باتوجه به آیات قرآن می‌توان چنین نتیجه گرفت که رمز پیروزی پیامبران الهی در تبلیغ دین، نرم‌خویی و نرمی کلام است و این از رحمت الهی به پیامبران بوده است. چنان‌که رمز توفیق پیامبر (ص) علی‌رغم نبود امکانات و وجود موانعی همچون فرهنگ ضعیف مردم، یاران کم و دشمنان زیاد حضرتش، لینت خلق و خوی و کلام پیامبر (ص) است. خداوند می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران ۱۵۹): پس به برکت رحمت الهی با آنان نرم‌خو شدی و اگر

سخت دل بودی، قطعاً از اطرافت پراکنده می شدند». خداوند نرمش و محبت بی نظیر رسول خدا را عامل جذب مردم معرفی می کند. به ویژه آنکه این آیه در مورد مسلمانانی نازل شده که در جنگ احد، فرار را بر قرار ترجیح داده بودند.

«(فظ) در لغت به معنی کسی است که سخنانش تند و خشن است، و غلیظ القلب به کسی می گویند که سنگدل می باشد و عملاً انعطاف و محبتی نشان نمی دهد؛ بنابراین، این دو کلمه گرچه هر دو به معنی خشونت است اما یکی غالباً در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می رود و به این ترتیب، خداوند اشاره به نرمش کامل پیامبر (ص) و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنه کار می کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۱۴۱). لذا «مهرورزی و مهربانی در احساس محبت و رأفت قلبی نسبت به هممنوع است که نتیجه آن غمخوارگی نسبت به دیگر انسان ها و داشتن دغدغه در کاهش دادن آلام و رنج آن هاست.» (ایمانی خوشخو، ۱۴۰۰، ۱۳۸). «امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ كَانَ رَفِيقًا فِي أَمْرِهِ نَالَ مَا يَرِيدُ مِنَ النَّاسِ: هر کس در کار خویش، نرم و ملایم باشد، به هر چه از مردم بخواهد می رسد» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۲، ۱۲۰)؛ زیرا ملایمت او با مردم باعث می شود دل ها به سویش متمایل گردد، دوستی میان او و دیگران برقرار شود و در نتیجه، راه رسیدن به مقصود حاصل گردد.» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ۸، ۳۳۰). در مقابل، تندخویی و بدزبانی موجب گریز مردم از انسان می شود.

لینت و نرمی در قلب در مقابل قساوت قلب است؛ زیرا قساوت همان شدت در صلابت و سختی است. چنان که خداوند می فرماید: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً (بقره/۷۴): «سپس قلب ها و دل های شما پس از آن، به شدت سخت شد و همانند سنگ یا سخت تر از آن شد» پس همان طوری که سنگ سخت و خارا از چیزی تأثیری نمی گیرد و عوارض و حوادث در آن تأثیر نمی گذارد، «قلوب سخت و سنگدل نیز دیگر از مواعظ و تذکرات تأثیری نمی گیرد و دعوت و انذار الهی در آن تأثیری نمی گذارد» (مصطفوی ۱۳۶۸، ۱۰، ۲۷۸ - ۲۸۱).

به همین دلیل است که خداوند به موسی و هارون طرز برخورد اصولی و مؤثر با فرعون را در آغاز کار به این شرح بیان می فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسَ لَكَ عَلَىٰ يَدَيْهِ أُذُنٌ مِّنَّا»

(طه ۴۴): برای اینکه بتوانید در او نفوذ کنید و اثر بگذارید، با سخن نرم با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.

نرمی و ملایمت در گفتار، و پرهیز از تندی و خشونت در کلام، گاهی مهم‌تر از محتوای سخن است. با گفتار نرم و دلنشین، بهتر می‌توان عقاید را مطرح ساخت و بر تأثیر و گیرایی کلام افزود. همواره سخن نرم که همراه با تکریم مخاطب باشد، مؤثرتر از سخنی است که به درشتی گفته شود... «وقتی سخن گفتن با فرعون طغیانگر باید به نرمی باشد، پیداست که با دیگر مردم به نحو اولی باید این‌گونه سخن گفت» (اله‌بداشتی، ۱۳۸۸، ۱۶۸).

«خویشتن‌داری از تندی و خشونت، از واجب‌ترین آداب دعوت است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴، ۲۱۳). از آیه شریفه به روشنی معلوم می‌شود که یکی از موارد استفاده از قول لین، هنگام برخورد با مردم طاغی و یاغی است، که شاید با گفتار لین از طغیان آن‌ها کاسته شود و به راه حق و حقیقت بازگردند، که اگر از ابتدای امر با خشونت با این‌گونه افراد برخورد شود، به طغیان آن‌ها افزوده می‌گردد و نتیجه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر حاصل نمی‌شود. (شریعت‌مداری، ۱۳۷۲، ۴، ۷۶۶).

خداوند در این آیات نحوه برخورد با انسان‌های طغیانگر را به ما آموزش می‌دهد؛ منظور از قول لین و نرمی گفتار حذف آرمان‌ها و عقاید نیست بلکه شیوه بیان و رویارویی با انسان طغیانگر است؛ به طوری که مانع از خدشه‌دار شدن طرف مقابل و مانع از عکس‌العمل ناپسند باشد؛ مانند آب آرامی که راه خود را باز می‌کند. پس برخورد مناسب و ملایم توأم با مهر و محبت اولین نیاز مواجهه با افراد اعم از سرکش و غیر سرکش است. چنان‌که در نظریه‌های روان‌شناسی یادگیری به ویژه شرطی‌سازی عامل، به عنوان روش‌های تغییر و اصلاح رفتار مطرح هستند؛ به عنوان مثال «برحسب نظریه اسکینر^۱ برای تغییر دادن رفتار از نامطلوب به مطلوب، از نابهنجار به هنجار و یا نیرومندسازی رفتار مطلوب، تقویت نقش کلیدی دارد» (بخشی جغناپ، ۱۴۰۰، ۱۴۸).

همچنین سخن لَین با گفتن کلام در موضع ضعف و سستی متفاوت است؛ یعنی ترس از هرگونه افراد طاغی و عاصی، باعث نشود که در ابلاغ پیام و بیان کلام حق، سستی شود. سخن آرام و نرم و صمیمانه شروع تربیت و ارشاد است که در مورد سرکش‌ترین افراد هم مانند فرعون و ابی‌لهب و هر شخص و گروه و حتی امت سرکشی نیز مصداق پیدا می‌کند. چه فرعون باشد چه ابی‌لهب، چه قبیله قریش باشد چه اهل کتاب، باید با سخن نرم و لَین صحبت کرد و هیچ‌گاه نباید از هدایت افراد حتی شخصیت‌های مستکبر هم ناامید بود و اگر امیدی در هدایت این افراد وجود دارد با نرمی است جز اینکه به خویشتن ستم کنند؛ خداوند می‌فرماید: *وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ* (عنکبوت ۴۶): با اهل کتاب جز به نیکوترین روش مجادله مکن مگر آن کسانی که ظلم کردند. جوادی آملی در تفسیر آیه ۴۴ سوره طه می‌گوید: این قول لَین برای همیشه قول لَین نیست اصلش چه اینکه وجود مبارک پیغمبر فرمود: *(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ)* (آل‌عمران ۱۵۹) این یک، بعد فرمود: *(وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)* (نحل ۱۲۵) این دو، با أحسن الأقوال سخن گفتن، با أحسن روش سخن گفتن، با قول لَین سخن گفتن این برای اوایل امر است برای اینکه انسانی که بخواهند آشنا بشوند، اما اگر کسی با قول لَین و با قول جدال احسن و امثال ذلک به راه نیفتاد بر عتو و فساد و طغیان او افزوده شد کم کم این لَین قدری شدید می‌شود در عین حال که سدید است تا می‌رسد به جایی که *(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ)* (توبه ۷۳) این *(وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ)* با *(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ)* منافات ندارد آن در طلوعه امر است یک، برای افراد معتدل است دو؛ این در پایان امر است یک، برای افراد خشن و منافق و کفار است دو. وجود مبارک موسای کلیم هم تا آخر که قول لَین نداشت؛ اوایل قول لَین بود وقتی که او سرکشی کرد دیگر درگیری شروع شد از دو طرف.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد کیفی است و به لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی است روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و از ابزار فیش برداری استفاده شده است جامعه آماری، جمعیت اصلی مجموعه اولیه مورد مطالعه در

تحقیق است که اعضای آن در یک صف مشترک بوده و تحقیق در آن در زمینه موضوعی خاص انجام خواهد شد (نویخت، ۵۸، ۱۳۹۲). لذا جامعه آماری این پژوهش کل قرآن کریم است که برای بدست آوردن آیات مرتبط با موضوع از بین کل آیات قرآن، ۱۷۲۲ آیه مربوط به «قول» می باشد. و از بین آنها ۵۲ آیه مربوط به صفات قول مانند لَين، کریم، معروف، سدید، حسن و احسن بوده است. که به صورت وصفی و اضافی آمده است که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته شده است. در این پژوهش در تبیین و تحلیل «قول لَين» از روش معناشناسی استفاده شده است. «معناشناسی دانشی است که معنا را درون نظام زبان و با توجه به قواعد زبان بررسی می کند. این دانش صرفاً معنایی نیست و تنها درصدد یافتن معنای واژگان نیست؛ بلکه این دانش معنا را به صورت روشمند و نظام مند بررسی و تحلیل می کند و تمامی عواملی را که در نظام مند بودن معنا دخیل اند، بررسی می کند» (لاینز، ۱۳۹۱، ۳۶۱). معناشناسی، مطالعه علمی معناسست و به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام، بدون پیش داوری و پیش‌انگاری می پردازد» (صفوی، ۱۳۷۹، ۲۸). روش ما برای بررسی قول لَين و بدست آوردن کاربردهای آن از روش معناشناسی بوده است و می دانیم که نخست معناشناسی به کار کشف سازوکارهای معنا می آید؛ دوم، معناشناسی احتیاج به روش دارد؛ سوم، این روش باید با نوع متن و نوع معنای نهفته شده در آن متناسب باشد. از میان شاخه‌های مختلف این علم در این پژوهش معناشناسی «هم‌زبانی» را انتخاب کرده ایم در این روش یک مفهوم با توجه به خود متن واکاوی می شود؛ یعنی تمام مسائل مدنظر در یک موضوع مانند: تعریف، انواع، عوامل و آثار یک واژه، از همان متن به دست می آیند. در اینگونه از معناشناسی، واژه را می توان بر پایه فضای صدور یا محیط وقوع، در یک بافت زبانی بررسی و تبیین کرد؛ به گونه‌ای که روابط دستوری و معنایی خاصی بین هر واحد، با واحدهای زنجیرهای دیگری از گفتار یا متن حاکم است» (صفوی، ۱۳۷۹، ۲۱۲). برای تحلیل خود در این شاخه از روابطی همچون هم‌معنایی، سیاق، روابط جانشینی و همنشینی که اصول ساخت درون زبانی را مشخص می کنند در استخراج معنای متن استفاده کرده ایم که به یک معنی جایگاه یک واژه را در ارتباط با سایر واژه‌ها در نظر

گرفته ایم. و از این روش برای رسیدن به لایه های معنایی آیات مرتبط با «قول لَین» استفاده کرده ایم. ابتدائاً مشتقات واژه لَین را در ۵ سوره قرآن بررسی کرده و با استفاده از کتب لغت معتبر در زبان عربی همچون قاموس القرآن، التحقیق مصطفوی، العین، لسان العرب این واژه به دقت بررسی و با توجه به مقوله همنشینی و جاننشینی به صورت موضوعی تمام آیاتی که صفات قول در آنها وجود داشت را استخراج کرده ایم که تعداد آنها ۵۲ آیه از آیات قرآن بوده است. سپس در آیات مربوطه با مراجعه به تفاسیر موجود همچون تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تفسیر تسنیم، تفسیر نور، التبیان، مجمع البیان، جامع البیان نکات مربوطه به آیات مورد نظر استخراج و جهت پاسخ دادن به سوال مورد نظر پژوهش که « بررسی نقش سخن نرم و لَین در اصلاح رفتاری انسان‌های لجباز و سرکش (باتوجه به آیه ۴۴ سوره طه) » بوده مورد استفاده قرار گرفت. به منظور اعتباریابی و روایی و پایایی بهتر یافته های استخراجی از روش مراجعه به خبرگان حوزه و دانشگاه استفاده شده است و نتایج بدست آمده توسط ۸ نفر از اساتید دانشگاه و حوزه علمیه قم که مرتبط با علوم تفسیر و علوم روانشناسی و جامعه شناسی بوده اند مورد بررسی کارشناسی قرار داده و مورد تایید قرار گرفته اند.

یافته‌ها

باتوجه به مطالب بیان شده، روش هدایتی قرآن در مواجهه با افراد طاغی و عاصی را می توان بر اساس قول لَین به شکل زیر بیان کرد:

۱. نکته مهمی که می توان از تفاسیر مربوط به این آیات در نظر گرفت این است که برای افراد طاغی هم امکان اصلاح همیشه وجود دارد. «لعلّ» زمانی به کار می رود که امید انجام فعل وجود داشته باشد.
۲. این که خداوند دستور می دهد که به سمت فرعون بروید شاید بپذیرد یا متذکر شود به معنای آن است که اصل بر جذب حداکثری است حتی گناهکاران طاغی.
۳. برای هدایت افراد گاهی باید آن‌ها را احضار کرد، «وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل ۳۱) و گاهی باید خود به طرف آنان رفت «ادْهَبْ».

۴. بدون پیش‌داوری با افراد روبه‌رو شدن؛ حتی افراد طاغی مثل فرعون و به قصد و نیت هدایت صحبت کردن.
۵. نرمی و ملایمت در گفتار و پرهیز از تندى و خشونت در کلام، گاهی مهم‌تر از محتوای سخن است. با گفتار نرم و دلنشین، بهتر می‌توان عقاید را مطرح ساخت و بر تأثیر و گیرایی کلام افزود. همواره سخن نرم که همراه با تکریم مخاطب باشد، مؤثرتر از سخنی است که به درستی گفته شود... وقتی سخن گفتن با فرعون طغیانگر باید به نرمی باشد، پیداست که با دیگر مردم به نحو اولی باید این‌گونه سخن گفت.
۶. سخن لین باید به گونه‌ای بیان شود که فرد مورد انذار باور کند که تنها هدف از انذار مصلحت و هدایت اوست.
۷. شروع سخن با سلام باشد. در آیه ۶۳ سوره مبارکه فرقان خداوند می‌فرماید «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا...» و بندگان رحمان کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می‌دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت‌آمیز می‌گویند». وقتی سخن را با سلام آغاز می‌کنیم، نرمی و صلح و صفا را به مخاطب اعلام و اظهار می‌داریم.
۸. موظف به نرمش در گفتار و پرهیز از درشت‌گویی در گفت‌وگو و پیش‌گرفتن روش‌های ملاطفت‌آمیز.
۹. سخنان نرم همراه با ملاطفت و مهر، زمینه بیشتری برای تأثیر دارد؛ زمینه‌ای مناسب برای پی بردن طاغیان و سرکشان به حقیقت و یا پیدایش هول و هراس در دل آنان بر اثر تزلزل در باورهای خویش.
۱۰. اگر هدف اصلی، هدایت و اصلاح سرکشان و عصیانگران است، حتی در مواجهه با طغیان‌گری زورگو همچون فرعون، در درجه اول، مهم ارائه آیات الهی با گفتار و بیانی نرم است؛ مانند موسی و هارون (ع) که دستور جمع‌آوری سپاه و نبرد با فرعون را نداشتند.

۱۱. مخاطب خاطی و گناهکار را هم به القاب و عناوینی نیکو خطاب قرار دهیم که مورد پسند و خوشایند اوست. چنان‌که خداوند بیان می‌کند که حضرت موسی (ع) فرعون را به‌عنوان «فرعون» مخاطب قرار داد، چون فرعون به این لقب علاقه‌مند بود. آنجا که در آیه ۱۰۴ سوره اعراف می‌فرماید: وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ... و موسی گفت: ای فرعون! یقیناً من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم.

۱۲. پس از انتخاب حضرت موسی (ع)، اولین کسی که مورد خطاب قرار می‌گیرد، فرعون است. پس در تربیت اول باید به سراغ مسئولین رفت و اگر مسئولین اصلاح شوند، جامعه اصلاح می‌شود. عامل سعادت و شقاوت یک کشور مسئولین هستند. ۱۳. این‌که خداوند حضرت موسی و هارون را با هم مورد خطاب قرار می‌دهد نشان از تأکید به مدیریت مشارکتی در تربیت جامعه است.

۱۴. فصیح بودن مبلغ برای تبلیغ، نکته بسیار مهمی است که حضرت موسی درخواست معاونی با ویژگی فصاحت کلام را در آیه ۳۴ سوره قصص از خداوند می‌کند: «وَ أٰخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا».

۱۵. امید دادن به فرد مورد انداز: «قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلٰى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰى: به‌راستی ما از سوی پروردگارت معجزه‌ای آورده‌ایم؛ و درود بر کسی باد که از هدایت [حق] پیروی کند، اگر پیگیری اهل هدایت و سلامت می‌شوی» (طه/۴۷).

۱۶. از سوی دیگر، سخن‌لین همراه با لحنی آرام و ملایم است که هم نشان‌دهنده ادب فرد و هم نشان‌دهنده ادب در سخن است. اگر سخن‌گفتن، تند یا بلند و گوش‌خراش باشد، نه تنها نشانه بی‌ادبی است، بلکه گوش‌شنونده را آزار می‌دهد و او را از گوینده، متوجه سوی دیگر می‌کند.

۱۷. سخن‌لین مطمئناً به سخنی جذاب و گیرا هم خواهد بود چراکه گوینده سخن باید برای اثرگذاری بیشتر بر مخاطبان، سخنان خود را در قالبی جذاب و زیبا عرضه کند. فارغ از اینکه این‌گونه سخنان می‌تواند برای گوینده سخن، اعتبار و شخصیت

- ایجاد کند، همچنین می‌تواند در قلوب افراد طاغی و عاصی رسوخ کرده و آنان را به خویش آورد (لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى).
۱۸. باید در کلام لین و نرم، صراحت و قاطعیت وجود داشته باشد تا هم نشانه سستی و ضعف متکلم نباشد و هم امید باشد که مؤثر واقع شود.
۱۹. با وجود احتمال تأثیر گفتار در بازداشتن مردم از انحرافات، نباید به ستیز عملی و برخورد با زور اقدام کرد. از حرف "لعل" در «فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» می‌توان چنین استنباط کرد که تا امید به تأثیر گفتار نرم وجود دارد، درگیر شدن و اقدام عملی برای ترک منکر جایز نیست. امیدها در نرمی است، و انتظاری از خشونت نمی‌رود.
۲۰. کلام نرمی که از متکلم صادر می‌شود باید همراه با استدلال باشد و به گونه‌ای محکم و استوار که مخاطب با شنیدن آن حق را بپذیرد و میان حق و باطل جدایی و تمییز افکند؛ یعنی قبل از آغاز سخن به بررسی همه‌جانبه کلام خویش می‌پردازد که تا از اشتباه‌ها و خطاهای احتمالی دور باشد زیرا که اگر اشتباهی کند، بهانه‌ای به دست سرکشان خواهد داد.
۲۱. سخن لین، فارغ از هر گونه بدگویی است چراکه هر انسانی معمولاً نقاط ضعف پنهانی دارد که اگر بنا شود این عیوب اظهار گردد، یک روح بدبینی عجیب بر سراسر جامعه سایه می‌افکند. خداوند در آیه ۱۴۸ سوره نساء می‌فرماید: لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا: خدا افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است [که بر ستم‌دیده برای دفع ستم، افشای بدی‌های ستمکار جایز است]؛ و خدا شنوا و داناست.»
۲۲. در مقابل تندی افراد سرکش، باید بر خود مسلط بود و نباید سخن نرم و قول لین را فراموش کرد چراکه ممکن است کلام نرم و لطیف باعث اعتمادسازی و تعمیق بخشیدن به باورهای مخاطب عصیانگر باشد.

۲۳. فرد سرکش و طاغی با سخن لَین ممکن است به گونه‌ای هدایت شود که خودش ناخودآگاه به خطایش پی ببرد و خود را دور از حق و واقعیت ببیند.

۲۴. استفاده از ادبیات پرسشی به جای ادبیات خطابی در مقابل افراد لجوج و طاغی: «هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزْكَى وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى: آیا می‌خواهی تزکیه شوی و تو را هدایت کنم به سوی خدایت که از او بترسی.» (النازعات/ ۷۹ و ۸۰)

۲۵. سخن لَین در خود میانه‌روی در گفتار را نیز دارد که موجب می‌شود گوینده سخن از یک سو از گفتن درمانده نباشد و اشتباهات و لغزش‌های گفتاری او کاهش یابد و از سوی دیگر، شنونده از سخن گوینده خسته نشود.

۲۶. رمز پیروزی پیامبر در تبلیغ دین نرم‌خویی و نرمی کلام است و این مهم از رحمت الهی به پیامبر بوده است. نظام حکومتی اسلام بر مبنای محبت و ارتباط تنگاتنگ با مردم است. مدیریت صحیح و رهبری درست با عفو و عطف همراه است (فَاعْفُ عَنْهُمْ).

نتیجه‌گیری

خداوند در قرآن کریم دستورات مهمی را برای انسان بیان داشته است که عمل به آن‌ها در ابعاد فردی و اجتماعی موجب سعادت فرد و جامعه می‌شود. انسان می‌بایست در مواجهه با مسائل مختلف به قرآن مراجعه نماید. یکی از مسائل مهم در جامعه امروز نحوه برخورد با افراد لجوج، سرکش و طغیانگر برای هدایت آن‌ها است.

بیماری طغیان که در نخستین آیات نازل شده بر پیامبر عزیز اسلام (ص) مطرح شده است، یک معضل عمومی برای جامعه شمرده می‌شود و چالش‌های فراروی جامعه اعم از ناهنجاری، ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران و وجود ناامنی‌های اجتماعی حکایت از وجود این بیماری مهلک در جامعه دارد؛ و راه برون‌رفت از آن در شرایط کنونی را می‌بایست در آیات قرآن و روایات معصومان (ع) جست‌وجو کرد. نکته مهم دیگری که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد این است که اولین کسی که در این آیه مورد خطاب قرار می‌گیرد، فرعون است. پس در تربیت اول باید به سراغ مسئولین رفت

و اگر مسئولین اصلاح شوند، جامعه اصلاح می‌شود. عامل سعادت و شقاوت یک کشور مسئولین هستند.

خداوند در قرآن به منظور هدایت فرعون که مظهر فساد، طغیان و عصیان می‌باشد به پیامبرش دستور می‌دهد که با «قول لین» او را دعوت کند با بررسی «قول لین» در قرآن درمی‌یابیم که اگر قرار باشد کلامی در فرد طاغی و عصیانگر مؤثر واقع شود آن کلام، قول نرم و لین است. باید در کلام لین و نرم، صراحت و قاطعیت وجود داشته باشد تا هم نشانه سستی و ضعف متکلم نباشد و هم امید تأثیر در آن وجود داشته باشد.

با بررسی واژگان هم‌نشین قول لین - یعنی دو واژه «تذکر و خشیت» - در نظام فرهنگ و حیانی به این نکته خواهیم رسید که می‌بایست تذکر یعنی قبول یادآوری و خشیت از خداوند متعال در فرد تجلی یابد که موجب هدایت گردد. به سخن دیگر، به گفته علامه طباطبایی کلمه "تذکر" به معنای قبول یادآوری و التزام به مقتضیات حجت یادآورنده و ایمان به آن است و کلمه "خشیت" به معنای مقدمه آن قبول و ایمان است، پس برگشت معنا به این می‌شود که شاید او ایمان بیاورد و یا نزدیک به ایمان آوردن شود.

سپاسگزاری

در پایان از همه عزیزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، مخصوصاً مسئولان محترم فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی که با دقت و سرعت نسبت به بررسی و پیگیری امور اقدام می‌نمایند سپاسگزاریم.

منابع

قرآن مجید

ابن فارس. (۱۳۹۹ ق). معجم مقاییس اللغة. قم: دار الفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار الصادر.

ابوطالبی، محمد. (۱۳۹۴). ذکر در دائره‌المعارف قرآن کریم. قم: بوستان کتاب.

احمدی، احمد. (۱۳۷۸). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. تهران: رودکی.

احمد مختار، عمر. (۱۳۸۶). معناشناسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۷). درآمدی بر تفسیر قرآن. قم: انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان.

اله‌بداشتی، علی. (۱۳۸۸). سخن گفتن در آداب اجتماعی اسلام. *الاهیات اجتما*. شماره دوم، ص ۱۵۷ - ۱۷۷.

<http://www.nooreaseman.com/forum137/thread34808.html>

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۹۳). خدا و انسان در قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
ایمانی خوشخو، محمدرسول (۱۴۰۰). الگوی راهبردی تعامل پلیس با جامعه: اقتدار همراه با مهرورزی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی. ۱۶ (۴)، ۱۵۴-۱۲۹.

http://pmsq.jrl.police.ir/article_97949.html

بشکوفه، مینا؛ غلام‌زاده جفیره، مریم؛ و سودانی، منصور. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش مدیریت رفتار به مادران بر پرخاشگری و نافرمانی مقابله‌ای فرزندان نوجوان. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت. ۱۱ (۲)، ۴۴-۳۴. <https://jhpm.ir/article-1-1269-fa.html>
بیابانگرد، اسماعیل؛ و رضاییان، پرتو. (۱۳۸۵). مذاکره به‌جای مشاجره در خانواده. مجله پیوند. شماره ۳۲۷. ۱۹-۱۴.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/180993/>

بخشی جغنا ب، قدیر. (۱۴۰۰). «الگوی جامعه‌شناختی تحول رفتار کارکنان کلاتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران». فصلنامه علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی. ۱۶ (۳)، ۱۳۹-۱۷۲.

http://pmsq.jrl.police.ir/article_97202.html

تجری، علی‌اصغر؛ و رئوفیان، رضا. (۱۳۹۹). معناشناسی توصیفی اراده با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی. فصلنامه ذهن. ۲۱ (۶)، ۱۸۷-۲۱۷.

http://zahn.iiict.ac.ir/article_46370.html

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم. قم. مرکز نشر اسراء.
جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۸۷ م). *الصحاح تاج اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
حدادی، الهام؛ و ذوالفقاری، محسن. (۱۳۸۹). تصویر استعاره‌ی کهن‌الگوی خورشید در ناخودآگاه قومی خاقانی و نظامی. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. ۶ (۲۰)، ۵۴-۷۲. https://jmmlq.stb.iau.ir/article_511806.html

خامه‌گر، محمد. (۱۳۸۶). ساختار هندسی سوره‌های قرآن. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

دبس، موریس؛ و کاردان، علی محمد. (۱۳۴۱). مراحل تربیت. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شماره دوم. ۱۰ (۳۸)، ۱۳۴-۱۳۹.

<https://literature.ut.ac.ir/documents>

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم الدارالشامیه. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۳). هرمنوتیک و منطق فهم دین. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

ساغروانیان، سید جلیل. (۱۳۶۹). فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی. تهران: انتشارات نما. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۷). تغییر رفتار و رفتاردرمانی نظریه‌ها و روش‌ها. تهران: نشر دوران. شریعتمداری، جعفر. (۱۳۷۲). شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

شفیع زاده، مرضیه؛ بهارزاده، پروین؛ و فتاحی زاده، فتحیه. (۱۳۹۳). معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی. پژوهش‌های قرآن و حدیث. ۱(۴۷)، ۹۹-۱۳۰
doi: 10.22059/jqst.2014.51935

صفوی، کورش. (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی. تهران: فرهنگ معاصر. صفوی، کورش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معناشناسی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل ابن حسن. (۱۳۶۰). ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران: انتشارات فراهانی. طبری، ابوجعفر محمد ابن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه. طوسی، محمد بن حسن (۴۶۰ق). (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: دار احیاء التراث العربی. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

فلاح، محمدجواد؛ و نصیری سوادکوهی، مبشره. (۱۳۹۵). الگوی اخلاقی قرآن در برخورد با انحراف‌های - اخلاقی. (با تأکید بر دوره جوانی). پژوهشنامه معارف قرآنی. ۷(۲۷)، ۷۷-۱۰۵

https://rjfq.atu.ac.ir/article_7733.html

فغانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). جایگاه قول لین در امر به معروف و نهی از منکر. فصلنامه سخن جامعه. ۵(۸)، ۸۱-۹۸
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>

فیروزآبادی، محمد. (۱۴۲۰ق). القاموس المحيط. قم: دار احیاء التراث العربی.

- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: دارالهجره.
- قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۳). بیولوژی نص. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (۱۴۲۵ ق). تلخیص المفتاح. قم: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لایز، جان. (۱۳۹۱). درآمدی بر معنی‌شناسی زبان. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر علمی.
- مازندرانی، محمد صالح. (۱۳۸۲). شرح الکافی. تهران: المكتبة الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. جلد هفتم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوبخت، محمد باقر. (۱۳۹۲). روش تحقیق پیشرفته، چاپ اول. تهران: کمیل.

